

نام سوره





### سیمای سوره‌ی سبأ

این سوره در مکه نازل شده و پنجاه و چهار آیه دارد. به مناسبت سرگذشت قوم سبأ که در این سوره بیان شده، «سبأ» نام گرفته و همانند دیگر سوره‌های مکی، بیشتر مباحث آن در مورد مسائل اعتقادی و خصوصاً مبدأ و معاد است. البته در ضمن داستان حضرت سلیمان و برخورد او با قوم سبأ، به گوشه‌ای از نعمت‌های الهی و سرنوشت شاکران و کافران اشاره شده است.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان.

﴿ ۱ ﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ

فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

ستایش مخصوص خدایی است که آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است ملک اوست و در آخرت (نیز) حمد و ستایش تنها برای اوست و اوست حکیم آگاه.

### نکته‌ها:

- در قرآن پنج سوره با جمله‌ی «الحمد لله» شروع می‌شود.
- این آیه مالکیت مطلق و بی قید و شرط خداوند را بیان می‌کند، «له ما فی السموات» و آیه‌ی بعد علم مطلق الهی را «یعلم ما یلج فی الارض»، تا در آیه سوم به منکران معاد بگوید: ما می‌توانیم قیامت را برای کیفر و پاداش بر قرار کنیم.
- فخر رازی می‌گوید: علمی که به عمل متصل باشد حکمت است و به کسی که عواقب و اسرار امور را بداند خبیر گویند.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- چگونگی حمد خدا را از خدا بیاموزیم. «الحمد لله الذی...»
- ۲- ستایش‌ها باید در برابر کمال و قدرت و مالکیت و آگاهی و حکمت باشد.

---

۱. تفسیر کبیر فخر رازی.

﴿الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ...﴾

۳- در دنیا غیر خداوند نیز ستایش می‌شود، ولی در آخرت ستایش مخصوص اوست. ﴿وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ﴾

۴- ستایش او در حصار زمان و شرایط خاصی نیست. ﴿وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ﴾ بهشتیان می‌گویند: ﴿وَأَخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>(۱)</sup>

۵- مالکیت الهی، هم گسترده است، هم حکیمانه و هم آگاهانه. ﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ - هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾

۶- گردش نظام هستی در دنیا و آخرت، بر اساس حکمت الهی است. ﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ... و لَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَ هُوَ الْحَكِيمُ﴾

﴿۲﴾ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ  
وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ

آن چه در زمین فرو می‌رود و آن چه از آن خارج می‌شود و آن چه از آسمان نازل می‌شود و آن چه در آن بالا می‌رود (همه را) می‌داند و اوست مهربان آمرزنده.

#### نکته‌ها:

□ پس از ذکر کلیات، بیان نمونه‌ها لازم است. بعد از کلمه خبیر که کلی بود، خداوند نمونه‌های علم خود را نقل می‌کند. ﴿وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ...﴾ مصداق ﴿يَلِجُ فِي الْأَرْضِ﴾ ورود دانه در خاک و مصداق ﴿يَخْرُجُ مِنْهَا﴾ خروج گیاه از خاک و مصداق ﴿يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ﴾ نزول باران از آسمان و مصداق ﴿مَا يَعْرُجُ فِيهَا﴾ پرواز پرنده‌گان در آسمان است.

□ در تمام قرآن، چهل و نه مرتبه کلمه‌ی «غفور» و «رحیم» با هم بیان شده که در تمام موارد اول «غفور» آمده بعد «رحیم» مگر در این آیه؛ شاید به خاطر آن که در همه‌ی موارد

نظر به عملکرد انسان‌هاست که باید اول بخشیده شوند و سپس رحمت الهی را دریافت کنند، ولی در این آیه، اصل توجه به علم و لطف و رحمت الهی است و مغفرت نسبت به عملکرد انسان به طور ضمنی در کلمه «یعرج» مطرح است. «الرَّحِيمُ الْغَفُورُ»

### پیام‌ها:

- ۱- خداوند، تنها مالک هستی نیست، بلکه به تمام جزئیات آن نیز آگاهی دارد. «یعلم ما یلج...»
- ۲- در نظام آفرینش، اشیا در رفت و آمد و حرکت‌اند. «یلج، یخرج، ینزل، یعرج»
- ۳- نشانه‌ی رحمت او نزول باران از آسمان، «ینزل» و نشانه‌ی غفران او پوشاندن اعمال زشت انسان است. «الرَّحِيمُ الْغَفُورُ»

﴿ ۳ ﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

و کسانی که کافر شدند گفتند: قیامت برای ما نخواهد آمد. بگو: چرا، به پروردگارم که آگاه از غیب و نهان است سوگند که به سراغ شما نیز خواهد آمد. به میزان ذره‌ای در آسمان‌ها و در زمین از خدا پوشیده نیست، نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگتر از آن، نیست جز آن که در کتاب روشن (الهی ثبت) است.

### پیام‌ها:

- ۱- نقل کلمات کفرآمیز برای نقد و ابطال آن مانعی ندارد. «قال - قل»
- ۲- با طرح نظریات مخالفان و رد آنها، مؤمنان را بیمه کنید. «قال - قل»
- ۳- منکران معاد فقط ادعا می‌کنند و بر انکار آن دلیلی ندارند. «لا تأتینا الساعة»
- ۴- پاسخ مطالب کفرآمیز باید محکم باشد. «لا تأتینا الساعة... بلی و ربی...»

۵- احاطه علمی خداوند بر همه چیز پشتوانه تحقق قیامت است. ﴿لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالَمِ الْغَيْبِ﴾

۶- زمان وقوع قیامت از امور غیبی است. ﴿عَالَمِ الْغَيْبِ﴾  
 ۷- دادگاه رستاخیز، بر اساس علم بی پایان الهی است. ﴿عَالَمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ﴾  
 ۸- کوچکی و بزرگی اشیا در علم خدا اثر ندارد. ﴿لَا اصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا اَكْبَرَ﴾  
 (چنانکه دیدن یک میخ کوچک یا برج بلند برای چشم یکسان است و این گونه نیست که نگاه به برج فشار اضافه‌ای به چشم وارد کند، علم خداوند به اشیا ی کوچک و بزرگ نیز برای او یکسان است).

﴿۴﴾ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ

رِزْقٌ كَرِيمٌ

تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند پاداش دهد؛  
 آنانند که برایشان آمرزش و روزی نیکو مقرر است.

#### نکته‌ها:

□ «رزق کریم» رزقی است که با وسعت و کرامت و عزت همراه باشد، نه با منت و ترحم.

#### پیام‌ها:

- ۱- رستاخیز برای دریافت پاداش‌هاست. ﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا﴾
- ۲- کسی می‌تواند پاداش و کیفر واقعی را بدهد که از همه چیز آگاه باشد. ﴿عَالَمِ الْغَيْبِ... لِيَجْزِيَ﴾
- ۳- رحمت خدا بر غضبش مقدم است. (در این آیه پاداش و در آیه بعد کیفر مطرح شده است). ﴿لِيَجْزِيَ - لَهُمْ عَذَابٌ﴾
- ۴- جز ایمان و عمل صالح، راهی برای دریافت پاداش نیست. ﴿آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ اُولَئِكَ لَهُمْ﴾

۵- بخشودگی، مقدمه‌ی دریافت نعمت‌هاست. ﴿مَغْفِرَةٌ﴾

۶- رزق اخروی بسیار وسیع و بزرگ و کریمانه است. ﴿رِزْقٌ كَرِيمٌ﴾

۷- پاداش‌های الهی، هم معنوی است، ﴿مَغْفِرَةٌ﴾ و هم مادی. ﴿رِزْقٌ كَرِيمٌ﴾

﴿ ۵ ﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن

رَجْزٍ أَلِيمٍ

و کسانی که در (انکار و محو) آیات ما تلاش کردند که ما را درمانده کنند،

آنانند که برایشان عذابی (سخت) از عقوبتی دردناک است.

### نکته‌ها:

□ دشمنانی که مقدّسات را هدف قرار می‌دهند، «آیاتنا» و هدفشان به عجز کشاندن و شکست اهداف الهی است؛ خداوند نیز آنان را عذاب می‌دهد، عذابش از رجز است و عذابی دردناک است.

### پیام‌ها:

- ۱- دشمنان به شدّت در تلاشند، شما هم غافل نباشید. ﴿سَعَوْا فِي آيَاتِنَا﴾
- ۲- سرکشی انسان تا آنجاست که می‌خواهد آیات الهی را خنثی و مانع‌کارانی و تأثیر آن شود. ﴿مُعَاجِزِينَ﴾
- ۳- پاداش مؤمنان نیکوکار از خداست، ﴿لِيَجْزِيَ﴾ ولی کیفر بدکاران نتیجه‌ی عمل خود آنهاست. ﴿لَهُمْ عَذَابٌ﴾
- ۴- تهدید و تشویق باید در کنار هم باشد. ﴿لَهُمْ مَغْفِرَةٌ... لَهُمْ عَذَابٌ﴾

﴿ ۶ ﴾ وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِينَ أَنزَلْنَا إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَ

يَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ



و کسانی که به آنان علم داده شده، آن چه را از جانب پروردگارت به تو نازل شده حق می بیند که به راه خدای عزیز ستوده هدایت می کند.

## پیام‌ها:

- ۱- علم به انسان دید و بینش می دهد. ﴿و یری الذین اوتوا العلم﴾
- ۲- در نقل تاریخ گذشته، عملکرد همه‌ی گروه‌ها را بیان کنیم، چه مؤمنان و چه کافران. ﴿سعوا فی آیاتنا - و یری الذین اوتوا العلم﴾
- ۳- دانشمندان، علم خود را از خدا بدانند. ﴿اوتوا العلم﴾
- ۴- نشانه‌ی علم واقعی دریافتن حقایق قرآن و پذیرفتن آن است. بدون علم و معرفت، حق شناسی ممکن نیست. ﴿اوتوا العلم - هو الحق﴾
- ۵- عالم حقیقی، آن چه را از سوی خدا نازل شده می پذیرد. ﴿الذی انزل الیک﴾
- ۶- نزول وحی، از شئون ربوبیت خداوند است. ﴿انزل... من ربک﴾
- ۷- میزان حق، وحی و قرآن است. ﴿انزل الیک... هو الحق﴾
- ۸- راه انبیا راه عزت و شرف است. ﴿صراط العزیز الحمید﴾
- ۹- راه الهی شکست‌ناپذیر و سعی مخالفان بیهوده است. ﴿سعوا فی آیاتنا معجزین... صراط العزیز﴾
- ۱۰- قدرتمندان دنیا معمولاً محبوب نیستند ولی خداوند قدرتمند محبوب و مورد ستایش است. ﴿العزیز الحمید﴾

﴿۷﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ

مُمَزَّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ

و کسانی که کفر ورزیدند، (به استهزا) گفتند: آیا شما را به مردی راهنمایی کنیم که به شما خبر می دهد هرگاه (در قبرها) کاملاً متلاشی شدید (بار دیگر) در آفرینش تازه‌ای (زنده) خواهید شد؟

## پیام‌ها:

- ۱- کفار، بر ضدّ دین و مقدّسات تبلیغ می‌کنند. ﴿قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ ولی جز تحقیر و تمسخر، هیچ برهانی ندارند. ﴿هَلْ نَدَّبَكُم﴾
- ۲- کفار، شخصیت‌ها و مقدّسات دینی را تحقیر می‌کنند تا زمینه‌ی دور شدن مردم را فراهم آورند. ﴿عَلَى رَجُلٍ﴾

﴿ ۸ ﴾ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي  
الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ

آیا او (دانسته) بر خدا دروغی بسته یا جنونی در اوست؟ (نه، چنین نیست) بلکه کسانی که به آخرت ایمان ندارند در عذاب و گمراهی دوری (از نجات و حق) هستند.

## پیام‌ها:

- ۱- برخی کفار خدا را قبول دارند و با این‌که معاد را قبول ندارند، دروغ بستن به خدا را بد می‌دانند. ﴿افترى على الله﴾
- ۲- کافران، همه‌ی راه‌های انحرافی را می‌روند ولی ایمان نمی‌آورند. ﴿افترى - ام به جنة - لا يؤمنون﴾
- ۳- بی‌ایمانی به آخرت، نوعی عذاب است، هم در دنیا و هم در آخرت. (نگرانی از پوچی، ترس از مرگ و هدر رفتن تلاش‌ها، بزرگ‌ترین عذاب دنیوی است.) ﴿في العذاب﴾
- ۴- کسی که قیامت را نپذیرد، هیچ راهی برای نجاتش نیست. ﴿الضلال البعيد﴾

﴿ ۹ ﴾ أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ  
نَشَأَ نَحْسِفَ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطُ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنَّ  
فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ

آیا به آن چه از آسمان و زمین، پیش رو و پشت سرشان است نگاه نکردند؟ اگر بخواهیم آنان را در زمین فرو می‌بریم یا قطعه‌هایی از (سنگ‌های) آسمان را بر سرشان فرود می‌آوریم، همانا در این (تهدید) برای هر بنده‌ی توبه‌کارى عبرت قطعى است.

### پیام‌ها:

- ۱- برای ایمان به معاد و دیگر امور غیبی، از محسوسات کمک بگیرید. فکر در عظمت جهان هستی، سرچشمه‌ی ایمان به معاد است. در آیه‌ی قبل فرمود: ﴿لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ﴾ در این آیه می‌فرماید: ﴿أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَيْنَ...﴾ چرا به آفریده‌ها نمی‌نگرند؟
- ۲- دست خداوند برای هر گونه تغییری در نظام هستی باز است. ﴿إِن نَّشَأْ﴾
- ۳- در کنار منطق، تهدید هم لازم است. ﴿أَفَلَمْ يَرَوْا - نَخَسَفَ بِهِمُ الْأَرْضَ﴾
- ۴- تفکر درباره‌ی هستی، سرچشمه‌ی بندگی و انابه به درگاه خداوند است. ﴿أَفَلَمْ يَرَوْا... عِبْدَ مُنِيبٍ﴾

﴿۱۰﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَالنَّارَ لَهُ الْحَدِيدَ

و همانا داوود را از سوی خود فضیلتی دادیم (و گفتیم: ای کوه‌ها! با او (در) تسبیح خدا) هم نوا شوید و (ای) پرندگان! (همراهی کنید) و آهن را برای او نرم کردیم.

### نکته‌ها:

- شاید توبه و ناله‌ی کوه‌ها با داوود، همان تسبیح آنها باشد. ﴿إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ﴾<sup>(۱)</sup>

□ خداوند به حضرت داوود عَلَيْهِ السَّلَام دوازده فضیلت داده است:

۱. علم الهی. ﴿و لقد آتینا داود و سلیمان علماً﴾<sup>(۱)</sup>
۲. نبوت و رسالت. ﴿آتاه الله الملك و الحکمة﴾<sup>(۲)</sup>
۳. کتاب آسمانی. ﴿آتینا داود زبوراً﴾<sup>(۳)</sup>
۴. خلافت. ﴿یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض﴾<sup>(۴)</sup>
۵. استواری حکومت. ﴿شدّدنا ملکه﴾<sup>(۵)</sup>
۶. امکانات فراوان. ﴿او تینا من کل شیء﴾<sup>(۶)</sup>
۷. حکمت. ﴿آتیناه الحکمة و فصل الخطاب﴾<sup>(۷)</sup>
۸. قضاوت. ﴿فاحکم بین الناس بالحق﴾<sup>(۸)</sup>
۹. نرم شدن آهن در دست او. ﴿النا له الحديد﴾
۱۰. فهمیدن سخن پرندگان. ﴿علّمنا منطق الطیر﴾<sup>(۹)</sup>
۱۱. هم صدایی کوهها و پرندگان با او. ﴿یا جبال اوبی معه و الطیر﴾
۱۲. فرزندی مثل سلیمان. ﴿و وهبنا لداود سلیمان﴾<sup>(۱۰)</sup>

□ در حدیث می‌خوانیم که خداوند به داوود فرمود: «تو بنده خوبی هستی اگر از بیت المال مصرف نکنی! او چهل روز گریه کرد تا خداوند آهن را بدست او نرم و مشغول زره‌بافی شد و هر روز یک زره به قیمت هزار درهم می‌بافت و تا سیصد و شصت زره بافت».<sup>(۱۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- خداوند، به بندگان برگزیده‌ی خود، عطایای ویژه‌ای می‌دهد. ﴿و لقد آتینا داود منّا فضلاً﴾

---

۱. نمل، ۱۵.	۲. بقره، ۲۵۱.	۳. اسراء، ۵۵.
۴. ص، ۲۶.	۵. ص، ۲۰.	۶. نمل، ۱۶.
۷. ص، ۲۰.	۸. ص، ۲۶.	۹. نمل، ۱۶.
۱۰. ص، ۳۰.		

۱۱. کافی، ج ۵، ص ۷۴ و تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۴۶ به نقل از تفسیر راهنما.

- ۲- هستی، شعور دارد و مورد خطاب الهی قرار می‌گیرد. ﴿یا جبال اَوَّی﴾  
 ۳- مناجات موجودات، امری حقیقی است، نه مجازی. ﴿اَوَّی معه﴾  
 ۴- دنیا و آخرت قابل جمع است. (نبوت و تصرف در هستی برای داوود جمع شد). ﴿التَّائِهَ الحَمدِ﴾  
 ۵- اولیای خدا، ولایت تکوینی و قدرت بر تصرف در هستی دارند. ﴿التَّائِهَ الحَمدِ﴾  
 ۶- استفاده از طبیعت ارزش است. ﴿فضلاً... و التَّائِهَ الحَمدِ﴾  
 ۷- کسی که دل خود را برای خدا نرم کند، خداوند هم آهن را برای او نرم می‌کند. ﴿اَوَّی... التَّائِهَ الحَمدِ﴾  
 ۸- ذوب آهن، سابقه‌ی دیرینه‌ای دارد. ﴿التَّائِهَ الحَمدِ﴾  
 ۹- اولیای خدا با صنعت ارتباط داشتند. ﴿التَّائِهَ الحَمدِ﴾

﴿ ۱۱ ﴾ أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَأَعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

(و گفتیم:) زره‌های کامل و فراخ بساز و بافت آن را درست اندازه‌گیری کن.  
 و کار شایسته انجام دهید، همانا من به آن چه عمل می‌کنید بینا هستم.

#### نکته‌ها:

- «سابغات» جمع سابغ، به معنای زره کامل و فراخ است.
- کلمه‌ی «سرد» به معنای بافتن است. «و قَدَّرَ فِي السَّرْدِ» یعنی در بافتن زره متناسب و به اندازه، دقت کن.

#### پیام‌ها:

- ۱- صنعت باید با مدیریت افراد صالح و به نفع مردم باشد. ﴿أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ﴾
- ۲- تولیدات مردان خدا باید کامل باشد. ﴿أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ﴾

- ۳- صنعت باید با دقت و کیفیت همراه باشد. ﴿قَدَّرَ فِي السَّرْدِ﴾  
 ۴- صنایع نظامی باید برای عمل صالح باشد، (نه کشور گشایی و ظلم و ستم). ﴿ان اعمل سابغات... واعملوا صالحا﴾  
 ۵- صنعت آهنگری و ساخت ابزار فلزی، سابقه‌ای بس طولانی دارد. ﴿ان اعمل سابغات...﴾  
 ۶- ایمان به علم خداوند، انگیزه انجام عمل صالح است. ﴿واعملوا صالحاً اني بما تعملون بصير﴾

﴿۱۲﴾ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ وَرَواحُها شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَن يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نَذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ

و برای سلیمان باد را (رام و مسخر کردیم) که صبحگاهان مسیر یک ماه را می‌پیمود و عصرگاهان مسیر یک ماه را، و برای او چشمه‌ی مس (گداخته) را روان ساختیم و گروهی از جنّ پیش روی او به اذن پروردگارش کار می‌کردند؛ و هر یک از آنان که از فرمان ما سرپیچی می‌کرد او را از عذاب فروزان می‌چشانندیم.

#### نکته‌ها:

- «غدو» به معنای حرکت در طرف صبح و «رواح»، حرکت از ظهر به بعد است و مراد از کلمه «عین» ظرفی است که در آن مسّ ذوب می‌شود.
- خداوند به حضرت سلیمان نیز همچون پدرش داوود الطاف ویژه‌ای عطا کرده است.
- به گفته‌ی قرآن، جنّ موجودی است مکلف، عاقل، انتخابگر، قدرتمند و تلاشگر.
- در سوره‌ی «ص» می‌خوانیم: اجته برای سلیمان بنایی و غواصی می‌کردند.<sup>(۱)</sup>

□ تسخیر باد به دست حضرت سلیمان، یعنی استفاده از آن در حرکت ابرها، حرکت کشتی‌ها، تلقیح گیاهان، تلطیف هوا و غیر آن. ﴿و لسلیمان الریح﴾  
 □ کتاب تورات (تحریف شده)، حضرت سلیمان را پادشاهی جبار، بتخانه ساز و تسلیم هوس‌های زنان معرّفی کرده، که این بر خلاف قرآن است.<sup>(۱)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- انبیا، بر جهان هستی و عالم تکوین ولایت دارند. ﴿و لسلیمان الریح﴾
- ۲- برای تسخیر طبیعت، تنها به تحلیل‌های طبیعی اکتفا نکنید. (حرکت باد با اراده‌ی خدا در اختیار ولیّ خدا قرار گرفت.) ﴿و لسلیمان الریح﴾
- ۳- قدرت خداوند نسبت به همه چیز یکسان است. (برای حضرت داود آهن و برای حضرت سلیمان هوا را تسخیر کرد.) ﴿و لسلیمان الریح﴾
- ۴- خداوند به داوود قدرت ذوب آهن و به سلیمان ذوب مس را داده بود. ﴿و اسلنا له عین القطر﴾ (صعنت مسگری در زمان حضرت سلیمان)
- ۵- انسان می‌تواند جنّ را تسخیر خود کند. ﴿و من الجنّ من یعمل بین یدیه﴾
- ۶- جنّ با اراده و فرمان الهی، مأمور انجام کارهای انسان می‌شود. ﴿من یعمل بین یدیه یاذن ربّه﴾
- ۷- مدیریّت به قدرت و صلابت نیاز دارد. ﴿و من یزغ منهم عن امرنا... نذقه﴾
- ۸- جنّ اختیار دارد و می‌تواند از فرمان الهی سر باز زند، ﴿و من یزغ منهم عن امرنا﴾ و در این صورت کیفر می‌شود. ﴿نذقه من عذاب السعیر﴾

---

۱. تفسیر نمونه به نقل از تورات، کتاب اوّل.

﴿ ۱۳ ﴾ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانَ كَالْجَوَابِ وَ  
 قُدُورٍ رَّاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ

جنیان، هر چه را که سلیمان می‌خواست از محراب و تمثال و ظروف بزرگ  
 مانند حوضچه و دیگ‌های ثابت برایش می‌ساختند. ای خاندان داوود!  
 شکر (این همه نعمت را) بجا آورید. اما اندکی از بندگان من سپاسگزارند.

### نکته‌ها:

- «محاریب» جمع «محراب» یا به معنای محل عبادت است و یا به معنای محلّ حرب و جنگ، زیرا بر بالای قصرها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می‌شد.<sup>(۱)</sup>
- «تماثیل» جمع تمثال به معنای مجسمه است. شاید مراد ساخت اشیای زینتی همانند اشیای طبیعی باشد. چنانکه در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است، مراد از تماثیل، مجسمه‌ی درختان و گیاهان است، نه انسان و حیوان.<sup>(۲)</sup> «جفان» جمع «جفیه»، ظرف‌های بسیار بزرگ را گویند که مثل حوض است. «جواب» جمع «جایبه»، به معنای حوض است. «قدور» جمع «قدر» به معنای دیگ است. «راسیات» جمع «راسیه» به معنای ثابت است.
- بسیاری از مردم شکر می‌کنند و شاکر هستند، اما شکور کم است، یعنی کسی که همواره شکرگزار باشد. ﴿قلیل من عبادی الشکور﴾

### سلیمان و نعمت‌ها

۱. در برابر نعمت‌ها، از خداوند توفیق شکرگزاری خواست. ﴿ربّ أوزعنی أن اشکر نعمتک﴾<sup>(۳)</sup>
۲. نعمت‌ها را وسیله‌ی آزمایش می‌دانست. ﴿هذا من فضل ربّی لیبلونی أأشکر أم أکفر﴾<sup>(۴)</sup>
۳. جذب هدایای بیگانگان نشد. ﴿اتمّدونن بمال﴾<sup>(۵)</sup>
۴. از فهم علمی مخصوص برخوردار بود. ﴿ففهمّناها سلیمان﴾<sup>(۶)</sup>

۱. تفسیر راهنما. ۲. تفسیر المیزان. ۳. احقاف، ۱۵.  
 ۴. نمل، ۴۰. ۵. نمل، ۳۶. ۶. انبیاء، ۷۹.



۵. با زبان پرندگان آشنا بود. ﴿عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ﴾<sup>(۱)</sup>
۶. از لشکریانش سان می‌دید. ﴿وَحُشْرَ لِسِيْلِمَانَ جُنُودَهُ﴾<sup>(۲)</sup>
۷. پرندگان در خدمت او بودند. ﴿وَتَفَقَّدَ الطَّيْرِ﴾<sup>(۳)</sup>
۸. از همه‌ی امکانات برای تبلیغ دین استفاده می‌کرد. (فرستادن نامه به وسیله‌ی پرنده)  
﴿إِذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا﴾<sup>(۴)</sup>
۹. دست اندرکاران او، طی الارض داشتند. ﴿قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ﴾<sup>(۵)</sup>
۱۰. حکومت بی نظیر داشت. ﴿هَبْ لِي مَلَكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ﴾<sup>(۶)</sup>
۱۱. به حسن عاقبت و مقام والا نزد خداوند رسید. ﴿وَأَنَّ لَهُ عِنْدَنَا لُزْفِي وَحَسَنَ مَّأَبٍ﴾<sup>(۷)</sup>
۱۲. جنّ در خدمت او بود. ﴿وَالشَّيَاطِينِ كُلِّ بِنَاءٍ وَغَوَاصٍ﴾<sup>(۸)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- جنّ، موجودی است هنرمند و صنعتگر. ﴿يَعْمَلُونَ لَهُ... مَحَارِبٍ وَتَمَائِيلٍ﴾
- ۲- کارگر باید زیر نظر کارفرما باشد. ﴿يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ﴾
- ۳- به معنویات، قبل از مادیات توجه کنید. ﴿مَحَارِبٍ﴾ قبل از ﴿تَمَائِيلٍ﴾ آمده است.
- ۴- مسگری و ریخته‌گری، سابقه‌ای بس طولانی دارد. (تهیه ظروف از مس  
گداخته در زمان حضرت سلیمان بوده است). ﴿جَفَانَ﴾
- ۵- امکانات باید زمینه‌ی سپاسگزاری از خداوند باشد. ﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا﴾
- ۶- شکر، تنها با زبان نیست بلکه یک عمل است. ﴿اعْمَلُوا... شُكْرًا﴾

---

۱. نمل، ۱۶.	۲. نمل، ۱۷.	۳. نمل، ۲۰.
۴. نمل، ۲۸.	۵. نمل، ۴۰.	۶. ص، ۳۵.
۷. ص، ۲۵.	۸. ص، ۳۷.	

﴿ ۱۴ ﴾ فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ  
تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ  
الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ

پس چون مرگ را بر سلیمان مقرر داشتیم، کسی جنیان را از مرگ او آگاه  
نساخت مگر جنبنده‌ی زمین (= موریانه) که عصایش را (به تدریج)  
می‌خورد، پس چون سلیمان به زمین افتاد جنیان دریافتند که اگر غیب  
می‌دانستند، در آن عذاب خوار کننده (کارهای سخت) نمی‌ماندند.

### نکته‌ها:

□ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «فلو ان احداً يجد الى البقاء سلماً او الى دفع الموت سبيلاً لكان ذلك سليمان ابن داود الذي سخر له ملك الجن والانس مع النبوة و عظيم الزلفة»<sup>(۱)</sup>  
اگر کسی برای ماندن و بقا راهی داشت و می‌توانست از مرگ در امان بماند، همانا سلیمان  
بود که جن و انس در تسخیر او بودند و مقام نبوت را دارا بود و قرب و منزلتی بزرگ داشت.  
□ «منسأة» به معنای عصا و به گفته روایات مراد از «العذاب المهين» کارهای سختی بود که  
جنیان انجام می‌دادند.<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- زمان مرگ، به دست خداست. «قضینا»
- ۲- مرگ، حتی به سراغ کسانی که نبوت و سلطنت را یکجا دارند می‌رود. «قضینا  
علیه الموت»
- ۳- حیوانات، مأموران خدا هستند. «دهم... دابة الارض»
- ۴- جن، غیب نمی‌داند. (با افتادن سلیمان به زمین، هم خود جن فهمید که غیب  
نمی‌داند و هم مردم فهمیدند که ادعای جن مبنی بر آگاهی از غیب بیهوده

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲.

۲. تفسیر مجمع البیان.

است. ﴿تَبَيَّنَتْ... لو كانوا يعلمون الغيب...﴾

۵ - جنیان دارای احساس عزّت و ذلّت و گریز از کار سخت هستند. ﴿ما لبثوا في العذاب المهين﴾

### حیوانات مأمور خدا هستند

۱. تکه‌ای از بدن گاو، مقتول را زنده می‌کند و او قاتل خود را معرفی می‌کند. (در ماجرای گاو بنی‌اسرائیل) ﴿انّ الله يأمرکم أن تذبحوا بقرة﴾<sup>(۱)</sup>
۲. عنکبوت، پیامبر را در غار حفظ می‌کند. ﴿الاّ تنصروه فقد نصره الله﴾<sup>(۲)</sup>
۳. کلاغ، معلّم بشر می‌شود. ﴿فبعث الله غراباً﴾<sup>(۳)</sup>
۴. هدهد، مأمور رساندن نامه سلیمان به بلقیس می‌شود. ﴿اذهب بکتابی هذا﴾<sup>(۴)</sup>
۵. ابابیل، مأمور سرکوبی فیل سواران می‌شود. ﴿و ارسل علیهم طیرا ابابیل﴾<sup>(۵)</sup>
۶. اژدها، وسیله‌ی حقانیت موسی می‌شود. ﴿هی ثعبان مبین﴾<sup>(۶)</sup>
۷. نهنگ، مأمور تنبیه یونس می‌شود. ﴿فالتقمه الحوت﴾<sup>(۷)</sup>
۸. موریانه وسیله‌ی کشف مرگ سلیمان می‌شود. ﴿تأکل منساته﴾<sup>(۸)</sup>
۹. سگ اصحاب کهف مأمور نگهبانی می‌شود. ﴿و کلهم باسط ذراعیه بالوصید﴾<sup>(۹)</sup>
۱۰. چهار پرنده سبب اطمینان ابراهیم می‌شود. ﴿فخذ اربعة من الطیر﴾<sup>(۱۰)</sup>
۱۱. الاغ، سبب یقین عزیر به معاد می‌شود. ﴿و انظر الى حمارک﴾<sup>(۱۱)</sup>
۱۲. شتر، گاو و گوسفند در حج، شعائر الهی می‌شوند. ﴿و البُدن جعلناها لکم من شعائر الله﴾<sup>(۱۲)</sup>
۱۳. حیوان، وسیله‌ی خدانشناسی می‌شود. ﴿افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت﴾<sup>(۱۳)</sup>

۱. بقره، ۶۳ - ۷۳.	۲. توبه، ۴۰.	۳. مائده، ۳۱.
۴. نمل، ۲۸.	۵. فیل، ۳.	۶. اعراف، ۱۰۷.
۷. صافات، ۱۴۲.	۸. سبأ، ۱۴.	۹. کهف، ۱۸.
۱۰. بقره، ۲۶۰.	۱۱. بقره، ۲۵۹.	۱۲. حج، ۳۶.
۱۳. غاشیه، ۱۷.		

۱۴. حیوان، وسیله‌ی آزمایش انسان می‌شود. ﴿تَنَالَهُ اَيْدِيكُمْ وَرِمَاحِكُمْ﴾<sup>(۱)</sup>
۱۵. حیوان، معجزه الهی می‌شود. ﴿هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ﴾<sup>(۲)</sup>
۱۶. حیوان، وسیله‌ی قهر الهی می‌شود. ﴿الْجَرَادُ وَالْقَمَلُ وَالضَّفَادِعُ﴾<sup>(۳)</sup>
- در قرآن چندین سوره به نام حیوانات است: بقره، انعام، نحل، نمل، عنکبوت و فیل.

﴿۱۵﴾ لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا  
مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ

همانا برای قوم سبأ در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت و رحمت الهی) بود: دو باغ و بوستان از راست و چپ. از روزی پروردگارتان بخورید و برای او شکرگزار باشید (که) شهری پاک و پروردگاری آمرزنده (دارید).

#### نکته‌ها:

- «سبأ» نام سرزمین حاصلخیز یمن است. سبأ نام شخصیت بزرگ منطقه بوده که روی آن سرزمین گذاشته‌اند.
- مردم در رسیدن به تمدن و بهره‌گیری از نعمت‌های الهی دو نوع برخورد دارند: برخی مانند سلیمان عليه السلام با داشتن آن همه قدرت، از خداوند توفیق شکرگزاری می‌خواهد. «اوزعی ان اشکر»
- گروهی مانند قوم سبأ که با داشتن شهری پاکیزه و دلنشین کفران ورزیدند.
- در قرآن هر کجا فرمان خوردن آمده، در کنارش مسئولیتی آمده است:
- ﴿كُلُوا... وَاشْكُرُوا﴾<sup>(۴)</sup>
- ﴿كُلُوا... اطعموا﴾<sup>(۵)</sup>

۳. اعراف، ۱۳۳.

۲. اعراف، ۷۳.

۱. مائده، ۹۴.

۵. حج، ۲۸.

۴. بقره، ۱۷۲.

﴿كلوا... واعملوا صالحا﴾<sup>(۱)</sup>

﴿كلوا... لا تسرفوا﴾<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- سرگذشت کشور سبأ عبرت‌انگیز است. ﴿لقد كان لسبأ... آیه﴾
- ۲- سرسبزی باغ‌های منطقه‌ی سبأ، استثنایی بوده است. ﴿آیه﴾
- ۳- یکی از آیات الهی، زیبایی‌های طبیعی است. ﴿آیه جنتان...﴾
- ۴- منطقه‌ی سبأ از هر گونه کمبود، آفات، نا امنی، فحشا و قحطی پاک بود. ﴿بلدة طيبة﴾
- ۵- در برابر نعمت‌های الهی باید شاکر بود، ولی انسان هرگز حق شکر را ادا نمی‌کند و خداوند او را می‌بخشد. ﴿واشکروا له... ربّ غفور﴾
- ۶- در انتخاب مسکن، به عنصر آبادانی، پاک‌ی و پاکیزگی شهر توجه کنید. ﴿مسکنهم... بلدة طيبة﴾
- ۷- روزی دادن و آمرزیدن از شئون ربوبیت است. ﴿رزق ربکم... ربّ غفور﴾

﴿۱۶﴾ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ

جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلِ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ

پس (به جای شکر، از خداوند) روی گرداندند، و ما بر آنان سیل ویرانگر عَرِم را فرستادیم و دو باغستان (پَر محصول) آنان را به دو باغ با میوه‌های تلخ و شورگز و اندکی از درخت سدر تبدیل نمودیم.

### نکته‌ها:

- کلمه‌ی «عَرِم» یا به معنای خشونت است و «سَیْلُ الْعَرِمِ» به معنای سیل بنیان کن، یا به معنای سدّ است یعنی سیلی که از شکسته شدن سدّ به راه افتاد.

۱. مؤمنون، ۵۱.

۲. اعراف، ۳۱.

- «أَكُل» به معنای «مأکول» و خوراکی است.  
 «حَمَط» گیاه تلخ را گویند و «أَتَل» درخت گز و خاردار است.  
 □ در قرآن بارها از اعراض مردم سخن به میان آمده است:  
 گاهی اعراض از ذکر خدا. ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي﴾<sup>(۱)</sup>  
 گاهی اعراض از آیات خدا. ﴿وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا﴾<sup>(۲)</sup>  
 گاهی اعراض از نعمت‌های خدا. (همین آیه) و آیه ﴿إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ﴾<sup>(۳)</sup>  
 و گاهی اعراض از پیامبر خدا. ﴿هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ . أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ﴾<sup>(۴)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- اعراض و ناسپاسی، قهر الهی را بدنبال دارد. ﴿فَاعْرَضُوا فَاَرْسَلْنَا﴾  
 شکر نعمت نعمت افزون کند  
 کفر نعمت از کفت بیرون کند
- ۲- سیل، زلزله، طوفان و رعد و برق، تصادفی نیست. ﴿ارسلنا... سيل العرم﴾
- ۳- طبیعت، مأمور قهر الهی می‌شود. ﴿سيل العرم﴾
- ۴- نعمت‌ها، گاهی اضافه می‌شود، ﴿فِي كُلِّ سَنبَلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ﴾<sup>(۵)</sup>  
 گاهی کم می‌شود، ﴿نَقَصَ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ﴾<sup>(۶)</sup>  
 و گاهی تبدیل می‌شود. ﴿بَدَّلْنَاهُمْ...﴾

﴿ ۱۷ ﴾ ذَلِكْ جَزَايَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ

این (کیفر) را به خاطر کفرانشان به آنان جزا دادیم و آیا جز ناسپاسان را کیفر می‌دهیم؟

۱. طه، ۱۲۴. ۲. قمر، ۲. ۳. اسراء، ۸۳.  
 ۴. ص، ۶۷-۶۸. ۵. بقره، ۲۶۱. ۶. همان، ۱۵۵.

## پیام‌ها:

- ۱- سرچشمه‌ی بدبختی‌ها، عملکرد منفی خود ماست. ﴿ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِمَا كَفَرُوا﴾
- ۲- کیفرهای الهی، یک سنت و قانون برای تبهکاران است و به قوم سبأ اختصاص ندارد. ﴿هَلْ نَجَازِي إِلَّا الْكٰفِرِیْنَ﴾
- ۳- آن چه قهر الهی را به دنبال دارد، اصرار در کفر و استمرار آن است. ﴿هَلْ نَجَازِي إِلَّا الْكٰفِرِیْنَ﴾

﴿۱۸﴾ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَىٰ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَىٰ ظَاهِرَةً وَ

قَدْرًا فِيهَا السَّيْرِ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ

و میان آنان و مناطقی که در آن برکت قرار داده بودیم، آبادی‌هایی آشکار بود (که به هم وصل و نزدیک بود) و سفر در میان قریه‌ها را به طور متناسب مقرّر کرده بودیم (و به آنان گفتیم): در این مناطق شب‌ها و روزها در حال امن سفر کنید.

﴿۱۹﴾ فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ

أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَرِّقٍ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

پس (به ناسپاسی) گفتند: پروردگارا! میان سفرهای ما فاصله بیانداز و بر خویشتن ستم کردند، پس ما آنان را موضوع داستان‌هایی (برای عبرت دیگران) قرار دادیم و آنان را به کلی پراکنده و متلاشی کردیم، همانا در این (ناسپاسی آنان و قهر ما) نشانه‌هایی (از عبرت) برای هر صبرکننده و شکرگزاری وجود دارد.

## نکته‌ها:

- «احادیث» جمع «أحدوثة» به معنای خبری است که مردم یا برای سرگرمی و یا به عنوان مثال برای یکدیگر نقل می‌کنند.

□ خداوند به قوم سبأ چند نعمت ویژه داده بود:

الف: مناطق پر برکت و حاصلخیز. «بارکنا فیها»

ب: خانه‌ها و مناطق مسکونی نزدیک به هم و قابل رؤیت. «قُری ظاهراً»

ج: آسان بودن سفر، به گونه‌ای که شب و روز امکان رفت و آمد بود. «سیروا فیها لیلی و ایّاما»

د: نعمت امنیّت. «آمنین»

### داستان قوم سبأ

□ چنانکه از این آیات و برخی روایات استفاده می‌شود، قوم سبأ، جمعیتی بودند که در جنوب

جزیره عربستان زندگی می‌کردند و تمدنی عالی و درخشان داشتند.

این منطقه رودخانه مهمی نداشت و آب باران در دشت به هدر می‌رفت، لذا مردم به فکر

افتادند که سدّ بزرگی بسازند و آب را پشت آن ذخیره کنند. در انتهای یکی از درّه‌ها، در کنار

شهر «مَارب»، سدّ خاکی عظیمی ساختند که به همین نام مشهور شد.

آب خروجی از این سدّ باعث آبادانی دو طرف رودی شد که از پای سدّ جاری بود و

روستاهای بسیاری با باغستان‌ها و کشتزارهای زیبا در دو طرف آن پدیدار گشت. فاصله این

روستاها با یکدیگر بسیار کم و تقریباً به هم متصل بود و وفور نعمت همراه با امنیّت،

محیطی مرقّه را برای زندگی آماده ساخته بود، امّا آنها خدا را به فراموشی سپردند، به

فخرفروشی پرداختند و به اختلافات طبقاتی دامن زدند. اغنیا مایل نبودند که افراد کم‌درآمد،

همانند آنان و یا همراه آنان در رفت و آمد میان این مناطق باشند و می‌خواستند این امتیاز

برای آنان باشد.

چنانکه در تاریخ آمده است موش‌های صحرائی به دیواره این سدّ خاکی حمله کردند و آن را

از درون سست کردند، چنانکه با جاری شدن یک سیلاب عظیم، دیواره سدّ شکست و سیل

عظیمی جاری شد که تمدن عظیم سبأ را در زیرِ گل و لای مدفون ساخت. سیلی که به قول

قرآن، از آن سرزمین آباد، جز درختان تلخ «أراک» و شور «گز» و اندکی درختان «سدر»



چیزی به جای نگذاشت.<sup>(۱)</sup> ﴿فَارْسَلْنَا عَلَيْهِم سَيْلَ الْعَرْمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتِينَ ذَوَاتِ أُكُلٍ خَطَّ وَ أَثَلٍ وَ شَيْءٍ مِّنْ سَدْرِ قَلِيلٍ﴾

## پیام‌ها:

- ۱- قوم سبأ به خداوند معتقد بودند و در دعا از کلمه ربنا استفاده کردند. ﴿رَبَّنَا بَاعِدْ﴾
- ۲- ناسپاسی، ظلم به خویش است. ﴿بَاعِدْ بَيْنَ اسْفَارِنَا وَ ظَلَمُوا انْفُسَهُمْ﴾
- ۳- متلاشی و تارومار شدن قوم سبأ قصه مجالس و ضرب‌المثل میان مردم شد. ﴿فَجَعَلْنَاهُمْ اَحَادِيثَ﴾
- ۴- ناسپاسی، سبب فروپاشی زندگی انسان می‌شود. ﴿كُلٌّ مَمْرُوقٌ﴾
- ۵- افراد و ملت‌هایی می‌توانند از تاریخ عبرت بگیرند و پایدار بمانند که بسیار بردبار و سپاسگزار باشند. ﴿لَايَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾

﴿۲۰﴾ وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ اِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ اِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ

و البته ابلیس گمان خود را (که می‌گفت: من اولاد آدم را گمراه می‌کنم) بر آنان تحقق یافته دید، پس همگی از او پیروی کردند، جز گروه اندکی از مؤمنان.

## پیام‌ها:

- ۱- کفران نعمت، راه نفوذ و موفقیت ابلیس است. ﴿رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ اسْفَارِنَا... وَ لَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِم اِبْلِيسُ ظَنَّهُ﴾
- ۲- ابلیس به موفقیت خود در انحراف کشاندن مردم یقین ندارد. ﴿ظَنَّهُ﴾

﴿ ۲۱ ﴾ وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِّنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ

و ابلیس هیچ گونه تسلط و غلبه‌ای بر آنان (که از او پیروی کردند) نداشت. (کار او تنها وسوسه است) تا معلوم کنیم کسی را که به آخرت ایمان دارد (و در برابر وسوسه‌های او مقاومت می‌کند) از کسی که نسبت به آخرت در تردید است، و پروردگارت بر همه چیز نگهبان است.

#### نکته‌ها:

□ با توجه به این که خداوند به هر چیز عالم و حافظ و مراقب و گواه است، مراد از جمله‌ی ﴿لنعلم...﴾ متمایز ساختن و مشخص کردن است، یعنی تا بر انسان و دیگران معلوم کنیم که مؤمن کیست و کافر کیست، یا جدا کنیم پیروان ابلیس را از مؤمنان.

#### پیام‌ها:

- ۱- شیطان نمی‌تواند انسان را مجبور کند و پیروی مردم از ابلیس بر اساس اختیار و تصمیم خود آنان است. ﴿وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِّنْ سُلْطَانٍ﴾
- ۲- ایمان به قیامت، سدّی است در برابر شیطان. ﴿لنعلم من يؤمن بالآخرة﴾
- ۳- فلسفه‌ی وجود شیطان و وسوسه‌های او، ایجاد چند راه پیش روی انسان و قدرت انتخاب و آزمایش اوست. ﴿إِلَّا لِنَعْلَمَ...﴾
- ۴- انسان با تردید و تزلزل، راه سلطه‌ی شیطان را بر روی خود باز می‌کند. ﴿مَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِّنْ سُلْطَانٍ... مِّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ﴾
- ۵- انسان در انتخاب راه و عمل، اختیار دارد. ﴿مَنْ يُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ﴾
- ۶- در علم خداوند، نسیان و سهو راه ندارد. ﴿حَفِيظٌ﴾

﴿ ۲۲ ﴾ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍَ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِّنْ ظَهِيرٍ

بگو: کسانی را که جز خدا (شریک و معبود خود) پنداشته‌اید بخوانید (تا حاجتی از شما برآورند)، آنان به میزان ذره‌ای مالک چیزی در آسمان و زمین نیستند، و برای شریک‌های (خیالی شما) در (اداره‌ی) زمین و آسمان هیچ گونه مشارکتی نیست و از طرف آنان هیچ گونه پشتیبانی برای خداوند نیست.

### پیام‌ها:

- ۱- غیر خدا، خیالی بیش نیست. ﴿زعمتم من دون الله﴾
- ۲- مشرک، منطقی ندارد. ﴿زعمتم﴾
- ۳- غیر خدا، نه مالک آسمان‌ها و زمین هستند، نه شریک و یاور خداوندند. ﴿لا یملکون - من شرک - من ظهیر﴾

﴿ ۲۳ ﴾ وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

و شفاعت نزد خداوند سودی ندارد، مگر برای آن کس که او اجازه دهد. (انتظار اذن شفاعت، ادامه دارد) تا زمانی که هراس و اضطراب از دل‌های آنان بر طرف شود، (مجربان) از آنان پرسند: پروردگار شما چه گفت؟ پاسخ می‌دهند: حق گفت؛ و او بلند مرتبه و بزرگ است.

### نکته‌ها:

- کلمه‌ی «فُزِعَ» هر گاه با حرف «عن» همراه باشد به معنای بر داشته شدن ناله است،<sup>(۱)</sup>

۱. مفردات راغب.

ولی اگر بدون آن باشد به معنای به ناله در آوردن است.

□ جمله «الّا لمن اذن له» را دو گونه می توان معنا کرد:

الف: شفاعت نزد خدا سودی ندارد، مگر شفاعت انبیا و اولیا و شفاعت کنندگانی که از طرف خداوند اجازه‌ی شفاعت داشته باشند.

ب: شفاعت نزد خدا سودی ندارد، مگر برای آن دسته از گناهکارانی که خدا اجازه‌ی شفاعت برای آنان را به اولیا بدهد.

□ در تفسیر اطیب البیان، آیه‌ی مورد بحث چنین معنا شده است: در قیامت جز برای افرادی که خداوند اجازه دهد، شفاعت سودی ندارد و مجرمان در آن روز وحشت زده‌اند و ناله‌ها دارند تا آن که صدایشان خاموش شود و ناله و فزع از دل‌های آنان برخیزد. فرشتگان یا مؤمنان از این مجرمان می پرسند: پروردگار شما در دنیا به شما چه گفت؟ می گویند: گفت، ولی ما گوش ندادیم.

### پیام‌ها:

- ۱- معبودهای خیالی، اجازه‌ی شفاعت پیروان خود را ندارند. ﴿لا تنفع الشفاعة﴾
- ۲- شفاعت به این معنا نیست که شفاعت کنندگان از خداوند مهربان‌ترند، زیرا خداوند است که به شفاعت کنندگان اجازه‌ی شفاعت می دهد. ﴿لمن اذن له﴾
- ۳- شفاعت، کاری مستقل در برابر اراده‌ی حتمی او نیست، بلکه در راستای اراده‌ی خداست. ﴿اذن له﴾
- ۴- در قیامت هم امکان شفاعت هست، ولی با اذن الهی. ﴿لا تنفع الشفاعة عنده الا لمن اذن له﴾
- ۵- اذنی که خداوند به افراد می دهد تا شفاعت کنند یا شفاعت شوند بر اساس حقّ است، یعنی شفاعت کنندگان به خاطر قرب الهی به آن مقام می رسند و شفاعت شوندگان به خاطر حفظ ارتباط با راه خدا لایق دریافت شفاعت می شوند. ﴿قالوا ماذا قال ربکم قالوا الحق﴾

﴿۲۴﴾ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ

لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

(ای پیامبر! به مشرکان) بگو: کیست که از آسمان‌ها و زمین به شما روزی می‌دهد؟ بگو: خدا؛ و البته (یکی از) ما یا شما بر (طریق) هدایت یا در گمراهی آشکار هستیم.

### پیام‌ها:

- ۱- در تربیت و تعلیم، با استفاده از شیوه‌ی سؤال، وجدان مخاطبان را بیدار کنیم و فکرها را به کار اندازیم. ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ...﴾
- ۲- یکی از عوامل پرستش، توجه به روزی دهنده است، فکر کنید چه کسی به شما روزی می‌دهد؟ ﴿مَنْ يَرْزُقُكُمْ﴾
- ۳- روزی آسمان، نور و حرارت و باران و باد و ابر است و روزی زمین، همه‌ی میوه‌ها و برکات زمین است. ﴿يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾
- ۴- تمام آسمان‌ها در رزق و روزی ما مؤثرند. ﴿يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَوَاتِ﴾
- ۵- در بحث و گفتگو و جدال نیکو با دیگران، انصاف را مراعات و با آنان مدارا کنیم. ﴿إِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ﴾
- ۶- هدایت یافتگان، همچون کسانی که بر بالای مرکب و کوه قرار گرفته‌اند، دید و بینش وسیعی دارند، ﴿عَلَىٰ هُدًى﴾ ولی گمراهان، همچون کسانی هستند که در ته درّه یا در عمق دریا گرفتار شده و مورد احاطه‌ی عوامل انحراف هستند. ﴿فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾

﴿ ۲۵ ﴾ قُلْ لَا تَسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نَسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ

بگو: (شما) از آن چه ما مرتکب شده‌ایم باز خواست نخواهید شد، و ما (نیز) از آن چه شما انجام می‌دهید باز خواست نخواهیم شد.

﴿ ۲۶ ﴾ قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَاتِحُ الْعَلِيمُ

بگو: پروردگار ما، ما و شما را (در قیامت) گرد می‌آورد، سپس بین ما و شما به حق داورى خواهد کرد و اوست داور دانا.

### نکته‌ها:

- کلمه‌ی «فتح» به معنای برطرف کردن پیچیدگی است، خواه در ظاهر باشد مثل باز کردن قفل و خواه در باطن مثل خاتمه دادن به نزاع.<sup>(۱)</sup>
- «فَتَّاح» یکی از اسمای حسناى خداوند است.<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- اصرار انبیا بر هدایت مردم، از روی دلسوزی است نه به خاطر آن که جبران گناه مردم بر عهده‌ی انبیا باشد و یا بالعکس. ﴿قُلْ لَا تَسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا﴾
- ۲- تواضع و ادب وسیله‌ی موفقیت است. (کار خود را «جرم» و کار دیگران را «عمل» معرفی می‌کند). ﴿اجْرَمْنَا - تَعْمَلُونَ﴾
- ۳- اگر ارشاد شما در دنیا مؤثر واقع نشد، نگران نباشید زیرا در قیامت به حساب همه رسیدگی خواهد شد. ﴿قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا﴾
- ۴- روز قیامت، هم یوم الجمع است، (روز گرد آمدن همه‌ی مردم) ﴿يَجْمَعُ بَيْنَنَا﴾ و هم یوم الفصل. (روز جدایی مجرمان از نیکان) ﴿ثُمَّ يَفْتَحُ﴾
- ۵- داورى در قیامت بر اساس حق است. ﴿يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ﴾
- ۶- توجه به معاد، انسان را در موضع‌گیری‌ها و عملکردها حفظ می‌کند. ﴿يَفْتَحُ بَيْنَنَا﴾

۱. تفسیر نمونه.

۲. تفسیر المیزان.

بالحق ﴿پرونده‌ی همه‌ی حيله‌ها و نفاق‌ها و زدوبندها و پیچیدگی‌های سیاسی و اجتماعی و... روزی باز می‌شود و مورد بازخواست قرار می‌گیرد.﴾  
 ۷- کسی جز خداوند، نه توان باز کردن پیچیدگی‌ها را دارد و نه از همه‌ی آنها آگاه است. ﴿هو الفتح العليم﴾

﴿۲۷﴾ قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ

الْحَكِيمُ

بگو: کسانی را که به عنوان شریک به خداوند ملحق کرده‌اید به من نشان دهید. هرگز چنین نیست، بلکه اوست خدای نفوذناپذیر حکیم.

### نکته‌ها:

□ در این آیه و آیات قبل، شیوه‌ی تدریجی و گام به گام و مدارا در گفتگو با مخالفان را بیان می‌کند، از جمله:  
 اولاً: در آیه ۲۴ دعوت به تفکر می‌کند. «چه کسی از آسمان و زمین به شما رزق می‌دهد؟»، «من یرزکم من السموات والارض» پس فکر کنید.  
 ثانیاً: با انصاف برخورد کنیم و بگوییم: «یا ما یا شما یکی بر حق است»، «اتأ او ایاکم» در بحث، طرف خود را فوراً و با قاطعیت محکوم نکنیم.  
 ثالثاً: در آیه‌ی ۲۵ می‌فرماید: هر کس پاسخگوی فکر و عملکرد خویش است. اصرار ما باید از روی دلسوزی باشد.  
 رابعاً: در آیه‌ی ۲۶ می‌فرماید: در بحث‌ها، به قیامت اشاره کنیم که روز ظهور حق است. «یفتح بیننا بالحق...»  
 خامساً: در بحث و گفتگو، از طرف مقابل دلیل و سند بخواهیم. «به من نشان دهید بت‌هایی که به عنوان شریک او می‌دانید چه کرده‌اند». (همین آیه)

**پیام‌ها:**

- ۱- سؤال همراه با توبیخ، وسیله‌ای است برای بیدار کردن وجدان‌های خفته. ﴿قل أرونی﴾
- ۲- هیچ یک از معبودها (چه حضرت عیسی، چه فرشتگان، چه بت‌ها) خودشان را شریک خدا نمی‌دانند؛ این شما هستید که آنها را به عنوان شریک به او ملحق می‌کنید. ﴿الحقتم به شرکاء﴾
- ۳- عزّت و نفوذ ناپذیری خداوند، مانع از هر گونه الحاق معبودهای خیالی و ساختگی به اوست. ﴿و هو العزيز الحكيم﴾

﴿ ۲۸ ﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

لَا يَعْلَمُونَ

و ما تو را به عنوان پیامبری مژده‌دهنده و بیم دهنده نفرستادیم جز برای همه‌ی مردم، ولی بیش‌تر مردم نمی‌دانند.

**نکته‌ها:**

□ کلمه‌ی «کافّة» یا به معنای جمیع است، یعنی پیامبر اسلام ﷺ برای همه‌ی مردم پیامبر است، که این معنا با آیات و روایات دیگر نیز تأیید می‌شود و یا به معنای باز دارنده است، یعنی پیامبر، مردم را از کفر و شرک و گناه باز می‌دارد و حرف تا در کلمه «کافّة» برای تأکید باشد که از این دو معنا، اولی بهتر است.<sup>(۱)</sup>

**پیام‌ها:**

- ۱- رسالت پیامبر اسلام جهانی است. ﴿ارسلناك... کافّةً للناس﴾
- ۲- مهم‌ترین نقش انبیا در هدایت مردم، هشدار و بشارت است. ﴿ما ارسلناك الا... بشیراً و نذیراً﴾

۱. تفسیر مجمع‌البیان.



﴿۲۹﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

و آنان (با تمسخر) می‌گویند: اگر راست می‌گویید، این وعده (قیامت) چه وقت خواهد بود؟

﴿۳۰﴾ قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ

بگو: برای شماست وعده روزی که نه (می‌توانید) ساعتی از آن تأخیر کنید و نه پیشی بگیرید.

### نکته‌ها:

□ در آیات متعدّد می‌خوانیم: زمان قیامت را جز خداوند، احدی نمی‌داند و این از حکمت‌های الهی است تا انسان همیشه در حال آماده باش به سر برد، علاوه بر این، ندانستن جزئیات، مانع ایمان به کلیات نیست. مثلاً: شما از صدای زنگ خانه علم پیدا می‌کنید که شخصی پشت در است، گرچه جزئیات آن شخص را نمی‌دانید که زن است یا مرد، سنّ و سوادش چگونه است، ندانستن این خصوصیات ضرری به علم و ایمان شما که شخصی زنگ خانه را زد وارد نمی‌کند. آری، ما به قیامت علم داریم گرچه زمان آن را ندانیم. در آیه ۱۵ سوره‌ی طه می‌خوانیم: ﴿إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا﴾ قیامت، قطعاً آمدنی است ولی من زمانش را بر شما مخفی کرده‌ام.

### پیام‌ها:

- ۱- لازم نیست پاسخ هر سؤالی را بدانیم. سؤال کردند که قیامت چه زمانی است؟ ﴿مَتَى هَذَا الْوَعْدِ﴾ بگو: زمانش را نمی‌دانم. ﴿مِيعَادُ يَوْمٍ﴾
- ۲- قیامت روز بسیار مهمی است. (کلمه «یوم» نکره همراه با تنوین، نشانه عظمت و بزرگی است.)
- ۳- زمان وقوع قیامت قابل تغییر نیست. ﴿لَا تَسْأَلُونَ سَاعَةَ وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ﴾

﴿ ۳۱ ﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ  
وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ  
بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا  
أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ

و کسانی که کافر شدند گفتند: ما نه به این قرآن و نه به آن (کتابی) که پیش از آن بوده است، هرگز ایمان نخواهیم آورد. (و تعجب می‌کنی) اگر ببینی وقتی که ستمگران (مشرک) در پیشگاه پروردگارشان بازداشت شده‌اند در حالی که بعضی با بعض دیگر جدل و گفتگو می‌کنند (و گناه خود را به گردن یکدیگر می‌اندازند). کسانی که ضعیف نگاه داشته شده‌اند (زیر داستان) به مستکبران می‌گویند: اگر شما نبودید، حتماً ما مؤمن بودیم.

#### پیام‌ها:

- ۱- کفار به خاطر لجاجت، هرگز حاضر به ایمان آوردن نیستند. ﴿و قال الذین کفروا لن نؤمن﴾
- ۲- کفار در واقع هیچ یک از کتب آسمانی را قبول نداشتند. ﴿لن نؤمن بهذا القرآن و لا بالذی بین یدیه﴾
- ۳- ایمان به کتب آسمانی قبل از قرآن نیز مورد سفارش پیامبر اسلام بود و کفار این سفارش را نادیده می‌گرفتند. ﴿و لا بالذی بین یدیه﴾
- ۴- دادگاه قیامت بسیار سخت است. ﴿و لو ترى﴾
- ۵- مشرکان به خود ستم می‌کنند. ﴿اذ الظالمون﴾
- ۶- سروکار مشرکان با خداست. ﴿موقوفون عند ربهم﴾
- ۷- ترسیم صحنه‌های سخت قیامت، بهترین وسیله‌ی تربیت است. ﴿موقوفون عند ربهم﴾
- ۸- مستضعفانی که پیرو مستکبرانند نیز مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت. ﴿يقول

الَّذِينَ اسْتَضَعُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا ﴿

- ۹- صحنه‌ی قیامت، صحنه‌ی گفتگو و جدال است. ﴿يقول الذين...﴾  
 ۱۰- در قیامت، مجرمان در پی توجیه گناه خود، به بزرگان خود می‌گویند: اگر شما نبودید ما این همه گناه نمی‌کردیم. ﴿لولا انتم﴾  
 ۱۱- در قیامت، ایمان عامل نجات است. ﴿لكننا مؤمنين﴾

﴿۳۲﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعُوا اَنْحُنْ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ اِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ

(اما) کسانی که استکبار ورزیدند به مستضعفان گویند: آیا ما شما را از هدایتی که به سراغتان آمد باز داشتیم؟ بلکه شما خود گناهکار بودید.

### پیام‌ها:

- ۱- جامعه‌ی فاسد و افراد مستکبر، انسان را مجبور به انحراف نمی‌کند. ﴿انحن صددناکم... بل کنتم مجرمین﴾
- ۲- در روز قیامت، مستکبران نیز می‌فهمند که راه انبیا حق بوده است. ﴿صددناکم عن الهدی﴾
- ۳- حق به همه می‌رسد و هر کس خود باید آن را بپذیرد. ﴿جاءکم﴾
- ۴- در قیامت نمی‌توان گناه خود را به گردن دیگران انداخت. ﴿بل کنتم مجرمین﴾
- ۵- بالاترین رسوایی آن است که مجرمان بزرگ به انسان‌های زیر دست لقب مجرم بدهند. ﴿بل کنتم مجرمین﴾

﴿۳۳﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
 إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا  
 رَأَوْا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ  
 إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

و زبردستان به مستکبران گویند: بلکه (مایه‌ی گمراهی ما) نیرنگ شب و روز (شما بود)، آن گاه که ما را فرمان می‌دادید به خدا کفر ورزیم و برای او همتیانی قرار دهیم. و همین که عذاب را مشاهده کردند پشیمانی خود را پنهان نمودند. و ما در گردن کسانی که کفر ورزیدند غل‌ها قرار دادیم، آیا جز آن چه عمل می‌کردند جزا داده می‌شوند؟

#### نکته‌ها:

- در این آیه می‌خوانیم که مجرمان ندامت خود را پنهان می‌کنند، در حالی که در آیات و روایات دیگر آمده که آنان ندامت خود را آشکار می‌کنند. این تفاوت به خاطر آن است که مواقف قیامت متفاوت است.
- گرچه به گفته راغب در مفردات خود، «اسرُوا الندامة»، هم به معنای اظهار ندامت است و هم به معنای مخفی کردن ندامت، ولی با توجه به حدیثی که از امام صادق علیه السلام وارد شده، مراد همان مخفی کردن ندامت است. امام صادق علیه السلام در پاسخ این سؤال که نگاه داشتن ندامت در دل برای چیست؟ فرمود برای آنکه از سرزنش دیگران دور بمانند.<sup>(۱)</sup>

#### پیام‌ها:

- ۱- مستکبران، تلاش شبانه روزی دارند. ﴿بل مکر الیل و النهار﴾
- ۲- پیشوایان کفر، بر اساس مکر و تدبیر فرمان می‌دهند. ﴿مکر الیل... اذ تأمروننا﴾
- ۳- انحراف فکری و فرهنگی جامعه، نتیجه‌ی کار مداوم دشمنان مستکبر است.

﴿مکر الیل و النهار اذ تأمروننا﴾

۴- برخورد مستکبران با زیردستان خود، برخورد امر و نهی است، نه دعوت و ارشاد. ﴿تأمرونا أن نکفر﴾

۵- پشیمانی در قیامت سودی ندارد. ﴿اسروا الندامة... جعلنا الاغلال﴾

۶- عذاب های الهی با عملکرد کفار متناسب است. ﴿هل یجزون الا ما کانوا یعملون﴾

﴿۳۴﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ

بِهِ كَافِرُونَ

و ما در هیچ دیاری هشدار دهنده ای نفرستادیم مگر آن که افراد خوشگذر آنان گفتند: حتماً ما به آن چه بدان فرستاده شده اید کافریم.

﴿۳۵﴾ وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ

و گفتند: ما از جهت اموال و اولاد بیش تریم (و این نشانه لطف خداوند به ماست) و ما عذاب نمی شویم.

پیام ها:

۱- مخالفت با پیامبر اسلام تازگی ندارد، با پیامبران دیگر نیز مخالفت می کردند. (خداوند پیامبرش را دلداری می دهد). ﴿و ما ارسلنا فی قریه من نذیر الا قال مترفوها﴾

۲- مرفهان بی درد، در صف اول دشمنان انبیا بوده اند. ﴿قال مترفوها﴾  
 ۳- رفاه طلبی، انسان را بی تفاوت و سنگدل نموده و به استکبار می کشاند. ﴿قال مترفوها... کافرون﴾

۴- مخالفت با پیامبران، مخالفت با پیام آنهاست، نه با شخص آنان. ﴿ما ارسلتم به کافرون﴾

۵- حرکت انبیا منافع سرمایه داران را به خطر می اندازد. ﴿مترفوها... کافرون﴾

۶- کفار بی نیازی در دنیا را سبب بی نیازی در آخرت می پنداشتند. ﴿اکثر اموالاً... و ما نحن بمعذبین﴾

۷- سرمایه داران به مال و فرزند خود می نازند. ﴿نحن اکثر اموالاً و اولاداً﴾

۸- ثروتمندان، خود را تافته‌ی جدا بافته می دانند. ﴿ما نحن بمعذبین﴾

﴿۳۶﴾ قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

لَا يَعْلَمُونَ

بگو: همانا پروردگار من برای هر که بخواهد روزی را گشایش می دهد یا تنگ می گرداند ولی بیش تر مردم نمی دانند. (که این گشایش ها و تنگی ها بیانگر میزان علاقه خداوند به آنان نیست.)

**پیام‌ها:**

- ۱- پیامبر باید عقائد انحرافی مردم را اصلاح کند تا گمان نکنند نعمت‌های خداوند همیشه نشانه مهر و لطف اوست. ﴿قُلْ إِنْ رَبِّي...﴾
- ۲- دادن و گرفتن نعمت، نشانه‌ی مهر یا قهر الهی نیست. (ممکن است از مؤمن بگیرد و به کافر بدهد). ﴿إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ﴾
- ۳- دادن و گرفتن روزی، از شئون ربوبیت است. ﴿إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ﴾
- ۴- مردم عامل رزق را واسطه‌ها، تدبیرها و کار خود می دانند و از خداوند غافلند ﴿و لکن اکثر الناس لا يعلمون﴾
- ۵- در جامعه‌ی دینی نگاه به اقتصاد نیز باید جنبه معنوی و الهی داشته باشد. ﴿قالوا نحن اکثر اموالاً... قل ان ربی بیسط﴾

﴿۳۷﴾ وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَ  
عَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الْوَعْدِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي  
الْعُرْفَاتِ آمِنُونَ

و اموال و فرزندان آن گونه (فضیلتی) نیست که شما را به پیشگاه ما نزدیک گرداند، مگر کسانی که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده‌اند. پس آنانند که برایشان دو برابر آن چه عمل کردند پاداش است و آنانند که در غرفه‌ها و طبقات (بهشتی) آسوده خاطرنند.

### نکته‌ها:

- خداوند، ایمان و عمل صالح و انفاق و اخلاص را وسیله‌ی قرب به خود قرار داده است، ولی گروهی مال و فرزند و نژاد را عامل قرب و سعادت می‌پندارند.
- در آیه ۱۵ سوره‌ی تغابن می‌خوانیم: ﴿أَمْ أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ همانا اموال و فرزندان، وسیله‌ی آزمایش شما هستند و خداست که نزد او پاداش بزرگ است. البته ذکر مال و فرزند، از باب مثال است وگرنه جز ایمان و عمل صالح هر چه باشد وسیله‌ی قرب نخواهد بود.
- کسانی که به مال و فرزند زیاد افتخار می‌کنند بدانند که کثرت مال و فرزند همیشه نشانه‌ی گشایش رزق نیست، بلکه گاهی خداوند افرادی را با سرمایه عذاب می‌دهد. ﴿فَلَا تَعْجَبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا﴾<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- به تبلیغات و تفکرات غلط دشمنان پاسخ دهید. کفار (در آیه ۳۵) می‌گفتند: ما با داشتن اموال و فرزندان بیشتر، عذاب نمی‌شویم. ﴿نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ﴾ این آیه پاسخ می‌دهد: که مال و فرزند سبب در امان ماندن از

عذاب نیست. ﴿و ما اموالکم و لا اولادکم...﴾

۲- قرب به خدا، همیشه برای انسان یک هدف بوده اما گاهی انسان برای رسیدن به آن راه‌ها و وسایل نادرستی را انتخاب کرده است، نظیر بت پرستی. ﴿ما نعبدهم الا ليقربونا الى الله زلفی﴾<sup>(۱)</sup>، ﴿و ما اموالکم... عندنا زلفی﴾

۳- داشتن مال و فرزند و سایر امکانات، نشانه‌ی رشد و کمال نیست، بلکه بهره‌گیری صحیح از آنها کمال است. ﴿و ما اموالکم... الا من آمن و عمل صالحاً﴾ (آری، اگر مال و فرزند در راستای ایمان و عمل صالح باشد، وسیله‌ی قرب است). ﴿و ما اموالکم... الا من امن و عمل﴾

۴- گرچه پاداش دو برابر داده می‌شود ولی باز هم در برابر عمل است. ﴿جزاء الضعف بما عملوا﴾

۵- در انتخاب مسکن علاوه بر امنیت، ویژگی‌های دیگر را هم در نظر بگیرید: داشتن غرفه و طبقه‌ی بالا، چشم‌انداز بهتر، نور بیش‌تر، هوای لطیف‌تر. ﴿فی الغرفات آمنون﴾

۶- در بهشت، هیچ‌گونه بیماری، ترس، اندوه و اضطرابی وجود ندارد. ﴿آمنون﴾

### ﴿۳۸﴾ وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُخَضَّرُونَ

و کسانی که به قصد به ستوه آوردن (و محو و ابطال آیات) ما تلاش می‌کنند، اینان در عذاب (الهی) احضار می‌شوند.

#### پیام‌ها:

۱- سرمایه دارانی که همواره ثروت خود را برای ساقط کردن و ناتوان جلوه دادن حق به کار می‌برند کیفر خواهند شد. (با توجه به آیه‌ی قبل و این آیه). ﴿یسعون﴾



فی آیاتنا ﴿

۲- دشمن برای از بین بردن حق، همواره تلاش می‌کند. ﴿یسعون فی آیاتنا﴾

﴿۳۹﴾ قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا

أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

بگو: بدون شک، پروردگارم برای هر کس از بندگانش که بخواهد روزی را گشایش می‌دهد، و یا برای او تنگ (و محدود) می‌گرداند و هر چه را (در راه او) انفاق کردید پس او (عوضش را) جایگزین می‌کند و او بهترین روزی‌دهندگان است.

### نکته‌ها:

- شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: اگر خداوند جای آنچه را انفاق شده پر می‌کند، پس چرا من هر چه انفاق می‌کنم جایگزینش نمی‌رسد؟! حضرت فرمود: «اگر مال حلال باشد و برای مصرف حلال انفاق شود حتماً جبران می‌شود».<sup>(۱)</sup>
- علاوه بر این ممکن است جبران آن در آخرت باشد یا از طریق دفع بلا یا رسیدن عوض آن به نسل بعدی در همین دنیا و یا از طریق غیر مال جبران شود.
- کلمه «یقدر» از «قدر» هم به معنای اندازه‌گیری است و هم به معنای سخت‌گیری.<sup>(۲)</sup> ولی در اینجا به قرینه کلمه «بیسط» به معنای سخت‌گیری است.
- در آیه ۳۶ نیز مسأله‌ی گشایش و تنگی رزق مطرح شد لیکن مخاطب آن کفار و مخاطب این آیه مؤمنان هستند.
- تاجری که می‌بیند سرمایه‌اش در معرض تلف شدن است، حاضر است جنس خود را ارزان یا نسیه بفروشد و اگر مشتری خوبی برایش پیدا شد و نفروخت، کم عقل است. عمر ما هم سرمایه‌ای است که در معرض تلف شدن است و خداوند آن را به بهای گران می‌خرد، معامله

۱. تفسیر نورالثقلین و کافی، ج ۲، ص ۴۸۶.

۲. مفردات راغب.

نکردن با خدا کم عقلی است.

□ رسول خدا ﷺ فرمودند: «هر شب منادی ندا می‌دهد: «هب للمنفق خلفاً و هب للمسك

تلفاً» (خدایا!) به انفاق کننده عوض و پاداش بده و ثروت خسیس و بخیل را تلف کن.»<sup>(۱)</sup>

□ خداوند بهترین رازق است. «خیر الرّازقین» چون:

الف: همه چیز به دست اوست و می‌تواند ببخشد.

ب: بخل ندارد.

ج: به همه می‌بخشد.

د: بخشش او، بی منت و بی توقع است.

ه: دائمی است.

و: نیازها را می‌داند.

ز: چیزهایی می‌بخشد که دیگران توان بخشیدن آن را ندارند.

### پیام‌ها:

۱- تفاوت رزق بدست او و سبب تربیت و تکامل انسان است. (مقتضای ربوبیت

خداوند قبض و بسط رزق‌ها است.) «رَبِّي يَبْسُطُ... وَ يَقْدِرُ»

۲- انفاق مهم است نه مقدار آن. «مَا انْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ»

۳- انفاق، تنها با مال نیست بلکه از هر نعمتی که خدا به انسان داده می‌توان انفاق

کرد. «مَا انْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ»

۴- یقین به پرداخت عوض، عامل سخاوت است. «مَا انْفَقْتُمْ... فَهُوَ يَخْلِفُهُ»

۵- یکی از دلایل اختلاف رزق، امتحان افراد است. «يَبْسُطُ، يَقْدِرُ، مَا انْفَقْتُمْ»

۶- انفاق‌ها جبران می‌شود. «فَهُوَ يَخْلِفُهُ» و خداوند ضامن جبران است. «فَهُوَ

يَخْلِفُهُ»

۷- انفاق‌ها به بهترین صورت جبران می‌شود. «خَيْرُ الرّازِقِينَ»

۱. تفسیر مجمع البیان.

﴿۴۰﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعاً ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ

و (به یاد آور) روزی که خداوند همه را محشور می‌کند، سپس به فرشتگان می‌گوید: آیا این‌ها شما را می‌پرستیدند؟

### پیام‌ها:

- ۱- روز قیامت، عابدها و معبودهای خیالی یکجا حاضر می‌شوند. ﴿يَحْشُرُهُمْ جَمِيعاً﴾
- ۲- در دوره‌ای از تاریخ، فرشتگان مورد پرستش بودند و چه بسا برخی بت‌ها تمثال فرشتگان بودند. ﴿لِلْمَلَائِكَةِ... إِيَّاكُمْ... يَعْبُدُونَ﴾
- ۳- خداوند در قیامت علاوه بر توبیخ مشرکان، از معبودها می‌پرسد: آیا شما مردم را به شرک فرا خواندید؟ تا ثابت شود خود معبودها نیز این کار را محکوم می‌کنند. ﴿يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ﴾ چنانکه به عیسی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: ﴿أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخَذُونِي وَ أُمِّي الْهَيْنَ﴾<sup>(۱)</sup> آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را به عنوان خدا بگیرید؟

﴿۴۱﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ

فرشتگان گویند: خدایا! تو منزه‌ای، تو سرپرست مایی، نه آنها، بلکه آنان جن را می‌پرستیدند، (و) بیش‌ترشان به آنان ایمان داشتند.

### نکته‌ها:

- برخی از مشرکان، فرشتگان را به امید دریافت خیرات می‌پرستیدند ولی اکثر آنان جن را به خاطر امان از شرور می‌پرستیدند.<sup>(۲)</sup>

۲. تفسیر المیزان.

۱. مائده، ۱۱۶.

□ شاید مراد از جنّ در این آیه، شیطان باشد، یعنی آنها به جای پرستش فرشتگان، از شیطان پیروی می‌کردند.

## پیام‌ها:

- ۱- ادب سخن گفتن با خداوند را از فرشتگان بیاموزیم. ﴿سبحانک انت ولینا﴾
- ۲- تولّی نسبت به خداوند و تبرّی از غیر خداوند در کنار یکدیگر است. ﴿انت ولینا من دونهم﴾

﴿ ۴۲ ﴾ فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ

پس امروز برخی از شما برای یکدیگر مالک سود و زیانی نیست، و به کسانی که ستم کردند می‌گوییم: بچشید عذاب آتشی را که آن را دروغ می‌شمردید.

## پیام‌ها:

- ۱- در قیامت، حکومت و مالکیت تنها مخصوص خداوند است. (هیچ یک از معبودها - جنّ و فرشته و دیگران - هیچ قدرتی ندارند؛ نه معبود می‌تواند برای عابد کاری کند و نه عابد برای معبود). ﴿فالیوم لا یملک بعضکم لبعض﴾
- ۲- به سراغ غیر خدا رفتن، ظلم به خویش است. ﴿نقول للذین ظلموا﴾
- ۳- آن چه قهر بزرگ خداوند را به دنبال دارد، تکذیب دایمی و مغرضانه است. ﴿کنتم بها تکذبون﴾

﴿ ۴۳ ﴾ وَإِذَا تَتَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤَكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرَىٰ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

و هرگاه آیات روشن ما بر آنان خوانده شود گویند: جز این نیست که این مرد می‌خواهد شما را از آن چه پدرانتان می‌پرستیدند باز دارد. و گویند: این قرآن جز دروغی بافته شده نیست. و کسانی که کفر ورزیدند، همین که حقّ به سراغشان آمد، گفتند: این، جز یک جادو و سحر روشن چیز دیگری نیست.

### نکته‌ها:

□ کلمه «بیتات» جمع «بیتة» به دلیلی گفته می‌شود که حقّ بودن آن روشن است. و کلمه «افک» به چیزی گفته می‌شود که وارونه شده و از صورت اصلی خود برگشته است.

### پیام‌ها:

- ۱- آیات الهی، روشن است و انکار کفّار به خاطر لجاجت آنهاست. ﴿بیتات﴾
- ۲- شیوهی انکار کفّار عبارت است از:  
الف: تحقیر رهبر. ﴿ما هذا الا رجل﴾  
ب: تهمت. ﴿یرید ان یصدکم﴾  
ج: تکیه بر روش پدران و پیشینیان خود. ﴿یعبد آباؤکم﴾
- ۳- کفّار، با طرح خط فکری و عملی نیاکان گمراه، دیگران را تحریک می‌کردند تا در برابر انبیا بایستند. ﴿یرید ان یصدکم عما کان یعبد آباؤکم﴾
- ۴- تقلید کورکورانه مانع پیشرفت انسان است. ﴿یعبد آباؤکم﴾
- ۵- کفّار، هم با پیام مخالفند و هم با پیام آور. ﴿ما هذا الا افک﴾
- ۶- کفّار، برای موفقیت خود، از هر نوع تبلیغ و تأکید منفی استفاده می‌کنند. ﴿ما هذا الا رجل - ما هذا الا افک - ان هذا الا سحر﴾
- ۷- یکی از موانع شناخت، کفر است. ﴿قال الذین کفروا للحق... ان هذا الا سحر﴾

﴿ ۴۴ ﴾ وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِّنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ

### تَذِيرٍ

و ما به آنان (مشرکان عرب) کتاب‌های آسمانی نداده بودیم که آن را بخوانند و بیاموزند و بیم دهنده‌ای به سوی آنان نفرستاده‌ایم.

### نکته‌ها:

□ مفهوم آیه این است که: ما قبل از تو کتاب و پیامبری به مشرکان مکه نداده‌ایم که آنان با استناد به آن، حق یا باطل بودن تو را تشخیص دهند. تکذیب آنان تنها بر اساس جهل و لجاجت و پیروی از هوس‌های خود و نیاکان خویش است.

### پیام‌ها:

- ۱- اثبات یا نفی هر مطلبی باید مستند به علم و وحی باشد و موضع‌گیری بدون آن هوسی بیش نیست. ﴿و ما آتیناهم...﴾
- ۲- کتب آسمانی برای تدریس و آموزش است. ﴿کتب یدرسونها﴾

﴿ ۴۵ ﴾ وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَّغُوا مِغْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا

### رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

و کسانی که پیش از آنان بودند، (پیامبران را) تکذیب کردند، در حالی که (کافران قوم تو) به یک دهم آن چه (از قدرت و امکانات) به گذشتگان داده بودیم نرسیده‌اند، پس آنان پیامبران مرا تکذیب کردند، پس (ببین) چگونه بود کیفر و عقوبت من (نسبت به آنان).

### نکته‌ها:

□ نظیر این آیه را در آیه ۲۱ سوره‌ی غافر می‌خوانیم که می‌فرماید: ﴿أولم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبة الذین کانوا من قبلهم کانوا هم اشد من قوتة و اثاراً﴾ آیا در زمین نگشتند و سیر نکردند تا ببینند عاقبت پیشینیانی که قدرت و آثارشان بیش‌تر بود چه شد؟

در آیه ۹ سوره‌ی روم نیز می‌خوانیم: ﴿... كانوا اشدّ منهم قوّة و اثاروا الارض و عمروها اكثر ممّا عمروها﴾ قدرت آباد کردن پیشینیان بیش‌تر بود، ولی به خاطر تکذیب پیامبران الهی نابود شدند.

آری، تمدّن و قدرت‌ها و ثروت‌ها و تحولات همیشه در حال پیشرفت نیست بلکه گاهی امکانات و قدرت گذشتگان بیشتر بوده است.

### پیام‌ها:

- ۱- آگاهی از تاریخ، مشکلات بزرگ را کوچک جلوه می‌دهد و تحمّل آنها را آسان می‌کند. ﴿كذب الذين من قبلهم... كذبوا رسلي﴾
- ۲- گاهی باید دشمن را تحقیر کرد. ﴿و ما بلغوا معشار...﴾
- ۳- كفّار با تکیه به قدرت و ثروت خود، حقّ را انکار می‌کردند و خداوند فرمود: ثروت شما نسبت به دیگران یک دهم است. ﴿و ما بلغوا معشار...﴾
- ۴- جمعیت‌ها و تمدّن‌های بزرگ، به خاطر تکذیب انبیا نابود شدند. (مشرکان مکّه چیزی نیستند نگران نباش). ﴿كذبوا رسلي فكيف كان نكير﴾
- ۵- سنّت الهی درباره‌ی همه‌ی اقوام یکسان است. ﴿فكيف كان نكير﴾
- ۶- در تربیت و ارشاد، گاهی باید از اهرم تهدید (آن هم تهدید مبهم) استفاده کرد. ﴿فكيف كان نكير﴾

﴿۴۶﴾ قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُونَ

مَا بِصَاحِبِكُمْ مِّنْ جِنَّةٍ إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

بگو: من شما را به یک سخن پند می‌دهم؛ برای خدا قیام کنید، دو نفر دو نفر

و یک نفر یک نفر، پس بیاندیشید (تا ببیند) که هیچ‌گونه جنونی در هم

سخن شما (پیامبر) نیست، او برای شما از عذاب سختی که در پیش است

جز هشدار دهنده‌ای نیست.

## پیام‌ها:

- ۱- یکی از وظایف انبیا، موعظه مردم است. ﴿اعظکم﴾
- ۲- تنها به حرف اکتفا نکنید، باید به پا خواست. ﴿تقوموا﴾
- ۳- آن چه مهم است قیام خالصانه برای خداست، تعداد و نفرات نقش اصلی را ندارد. ﴿تقوموا لله مثنیٰ و فرادی﴾
- ۴- قیام سه عنصر لازم دارد:  
خلوص، ﴿لله﴾ رهبر، ﴿صاحبکم﴾ فکر و برنامه. ﴿تتفکروا﴾  
حرکت‌ها و انقلاب‌هایی که برای خدا نباشد و برخاسته از عقده‌ها و هوس‌ها و برای کسب ثروت باشد به جایی نمی‌رسد. اگر انقلاب همراه با فکر و برنامه جامع نباشد و یا رهبر الهی همراه و مصاحب با انقلابیون نباشد به نتیجه‌ای نمی‌رسد و بقا و برکاتی نخواهد داشت.
- ۵- پیامبر، کوچک‌ترین نقطه ضعف روحی ندارد. او سال‌ها در میان شما زندگی کرده و همه او را به عقل و درایت می‌شناسید و نسبت جنون به او ناشی از بی‌فکری است. ﴿تتفکروا ما بصاحبکم من جنة﴾
- ۶- رهبر الهی، هم‌نشین و هم‌سخن با مردم است. ﴿صاحبکم﴾
- ۷- خداوند حامی پیامبران است و تهمت‌ها را از آنان دفع می‌کند. ﴿ما بصاحبکم من جنة﴾
- ۸- با این که کار پیامبران بشارت و هشدار است، اما هشدار بیش‌تر مورد توجه قرآن است، زیرا افراد غافل به هشدار نیاز بیش‌تری دارند. ﴿ان هو الا نذیر﴾
- ۹- هشدار انبیا به سود مردم است. ﴿نذیر لکم﴾
- ۱۰- عذاب، پیش‌روی شماس است، اگر در راه خدا قیام نکنید، هم در دنیا گرفتار می‌شوید و هم قیامت دور نیست. ﴿بین یدی عذاب﴾



﴿۴۷﴾ قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى  
كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

بگو: هر مزدی که از شما خواستم پس آن به نفع شماست، مزد من جز بر  
خدا نیست و او بر هر چیزی گواه است.

### نکته‌ها:

□ بارها در قرآن این سخن به میان آمده که انبیا از مردم مزد و پاداشی نمی‌خواستند، در  
سوره‌ی شعرا از آیه ۱۰۰ تا ۱۸۰ این مطلب از قول پیامبران مختلف تکرار شده است، اما  
پیامبر اسلام در دو مورد تقاضای اجر و مزد کرده است: یک بار فرمود: ﴿قُلْ لَا اسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ  
اجراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾<sup>(۱)</sup> من مزدی جز مودتِ اهل بیتم از شما نمی‌خواهم. و بار دیگر در  
آیه ۵۷ سوره‌ی فرقان فرمود: ﴿قُلْ لَا اسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ  
سَبِيلاً﴾ من برای رسالتم از شما مزدی نمی‌خواهم، جز آن که می‌خواهد راهی به سوی خدا  
انتخاب کند.

آیه مورد بحث، جمع بین آیات فوق است که پیامبر اکرم ﷺ می‌خواهد اعلام کند: اگر من از  
شما مزدی درخواست می‌کنم و می‌گویم اهل بیتم را دوست بدارید، به خاطر آن است که  
فایده‌ی این مزد به خود شما بر می‌گردد. «فهُوَ لَكُمْ» زیرا کسی که به اهل بیت معصوم  
پیامبر اکرم ﷺ علاقه‌مند باشد از آنان پیروی می‌کند و هر کس از رهبران معصوم پیروی  
کند از راه خدا پیروی کرده است. «إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلاً»، پس فایده این مزد به  
خود ما برمی‌گردد مثل معلمی که به شاگردش بگوید من مزدی از شما نمی‌خواهم جز آنکه  
درس مرا خوب بخوانید که فایده این امر به خود شاگرد بر می‌گردد.

### پیام‌ها:

۱- مبلغان الهی، باید بی‌توقعی خود را به مردم اعلام نمایند. (در سه آیه‌ای که

مربوط به مزد رسالت است، با کلمه‌ی «قل» پیامبر مأمور به اظهار آن می‌شود.

﴿قُلْ... إِنْ أُجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ﴾

۲- آن چه زشت است سؤال و درخواست مزد است، ولی اگر خود مردم با عشق و بدون اکراه هدیه‌ای به مبلغ دین دادند حساب دیگری دارد. می‌فرماید: ﴿مَا سَأَلْتَكُمْ﴾ و نمی‌فرماید: نمی‌گیرم.

۳- شرط تأثیر سخن آن است که مردم، رهبر را دلسوز و مخلص بدانند. ﴿إِنْ أُجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ﴾ (اگر رهبر از مردم توقع مادی داشته باشد، جامعه او را تحمل نمی‌کند: ﴿أَمْ تَسْأَلُهُمْ اجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مَثْقَلُونَ﴾<sup>(۱)</sup> آیا از مردم مزدی طلب می‌کنی که پرداخت آن بر آنان سنگین است؟)

۴- انتخاب راه خدا و مودت اهل بیت علیهم‌السلام که مزد رسالت است، در حقیقت به نفع خود مردم است نه پیامبر اکرم. ﴿فَهُوَ لَكُمْ﴾

۵- کسی که خدا را ناظر و شاهد اعمال خود بداند به غیر او امیدی ندارد. ﴿إِنْ أُجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾

۶- برای برطرف شدن سوء ظن‌ها، خدا را بر صداقت خود گواه بگیریم. ﴿إِنْ أُجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾

### ﴿۴۸﴾ قُلْ إِنْ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَآمَ الْغُيُوبِ

بگو: همانا پروردگارم که به نهان‌ها بسیار آگاه است حق را (بر دل‌ها) می‌افکند.

#### پیام‌ها:

- ۱- تحقق حق و نابودی باطل، از شئون ربوبیت خداست. ﴿إِنْ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ﴾
- ۲- حق باید بر باطل هجوم برد و آن را نابود کند. («يقذف» به معنای پرتاب و تهاجم است.)

- ۳- پیروزی حق بر باطل از سنت‌های الهی است. ﴿ان رَّبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ﴾  
 ۴- احقاق حق و ابطال باطل به اطلاعات و سیعی نیاز دارد. ﴿عَلَامُ الْغَيْبِ﴾

﴿ ۴۹ ﴾ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِيُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ

بگو: حق آمد و باطل (کاری از آن ساخته نیست) نمی‌تواند آغازگر چیزی باشد و نه تجدید کننده آن.

﴿ ۵۰ ﴾ قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِي-

إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ

بگو: اگر من گمراه شده باشم به زیان خود گمراه شده‌ام، و اگر هدایت یافته باشم پس به (برکت) چیزی است که پروردگارم به من وحی می‌کند، همانا اوست شنوای نزدیک.

#### نکته‌ها:

□ ابن مسعود که یکی از اصحاب پیامبر اکرم ﷺ است می‌گوید: در مکه ۳۶۰ بت بود که پیامبر اکرم ﷺ در روز فتح مکه یکی را پس از دیگری به زمین می‌انداخت و این آیه‌ی شریفه را می‌خواند: ﴿قُلْ جَاءَ الْحَقُّ...﴾<sup>(۱)</sup>

□ سؤال: با آمدن قرآن و پیامبر حق، چرا باز هم باطل پا برجاست؟

پاسخ: حاکمیت منطقی و علمی، غیر از حاکمیت عملی و اجرایی است، آن چه مربوط به خداست، فرستادن حق است و آن چه مربوط به ماست عمل و اجرای حق است که چنین نکردیم. آری، سلامتی بیمار، به نسخه‌ی صحیح و مصرف دارو وابسته است که یکی وظیفه‌ی پزشک است و دیگری وظیفه‌ی بیمار.

۱. تفسیر مجمع البیان.

**پیام‌ها:**

- ۱- حَقَّ بر باطل پیروز است. ﴿جاء الحقّ و ما یبديء الباطل و ما یعیّد﴾
- ۲- قرآن از غیب و آینده خیر می‌دهد. ﴿و ما یبديء الباطل و ما یعیّد﴾
- ۳- بدون وحی الهی، حتّی پیامبر نیز در معرض انحراف است. ﴿ان ضللت فأتما اضلّ علی نفسی و ان اهتدیت فبها یوحی﴾
- ۴- خطرات و آثار شوم انحراف، به خود انسان باز می‌گردد. ﴿اضلّ علی نفسی﴾
- ۵- خداوند، هم وحی می‌فرستد و هم بر ابلاغ آن نظارت دارد. ﴿فبها یوحی الی ربّی انه سمیع قریب﴾

**﴿۵۱﴾ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ**

و اگر ببینی وقتی که کافران (از عذاب سخت) فرغ کنند و راه گریزی در کار نیست، و از مکانی نزدیک دستگیر شوند (تعجب خواهی کرد).

**﴿۵۲﴾ وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاطُوشُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ**

(و در آن حال) گویند: به او ایمان آوردیم و کجا این دست‌یابی به ایمان از راه دور (که توان بر انجام عمل صالحی ندارند) به سودشان خواهد بود.

**نکته‌ها:**

- در این آیات تا آخر سوره، سیمایی از وضع دلخراش جان دادن مشرکان ترسیم شده است.
- کلمه‌ی «تناوش» از «نوش» به معنای گرفتن چیزی به آسانی است.
- در تفاسیر شیعه و سنی روایاتی آمده است که رسول اکرم ﷺ این آیات را به خروج سفیانی به هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام تفسیر کرده‌اند که خداوند از نزدیک‌ترین مکان، آنان را نابود می‌کند.
- مراد از «مکان قریب» دنیا و «مکان بعید» آخرت است.

## پیام‌ها:

- ۱- جزع و فزع و استمداد مشرکان، مشکلی از آنان حل نمی‌کند. ﴿فزعوا فلا فوت﴾ مشرکان پناهگاهی ندارند.
- ۲- هر کافری در لحظه‌ی احساس خطر ایمان می‌آورد ولی چه سود. (ایمان انتخابی ارزش دارد نه اضطراری). ﴿اخذوا من مکان قریب - قالوا آمنا﴾
- ۳- مرگ هر جا که آمد فوراً انسان را می‌گیرد. ﴿مکان قریب﴾
- ۴- عقوبت مشرکان از همین دنیا آغاز می‌شود. ﴿مکان قریب﴾
- ۵- برگشت به دنیا و جبران گذشته‌ها راهی دور و ناممکن است. ﴿مکان بعید﴾

﴿۵۳﴾ وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ

در حالی که پیش از این به آن کفر ورزیدند و از دور دست‌ها تیر در تاریکی می‌انداختند. (و به پیامبر اسلام تهمت‌ها می‌زدند).

﴿۵۴﴾ وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ

كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ

(سرانجام) میان آنان و آن چه می‌خواستند جدایی افتاد، همان گونه که از دیر باز با امثال ایشان چنین شد، زیرا آنان در شک و تردید سختی بودند.

## پیام‌ها:

- ۱- کسانی که دیروز به پیامبر و قرآن تهمت می‌زدند، امروز که در تنگنا قرار گرفته‌اند ایمان می‌آورند ولی چه سود؟ ﴿و قد كفروا - و يقذفون﴾
- ۲- کفار از پیامبر و قرآن، شناخت روشنی نداشتند؛ تهمت‌های آنان مانند تیر انداختن در تاریکی و پرتاب از راه دور بود. ﴿يقذفون بالغيب من مكان بعيد﴾

«و الحمد لله رب العالمين»